

جهان بهتر

احترام به طبیعت؛ راهی برای ساختن جهان بهتر

قابل باشد، باید شاخص‌های دیگری را نیز رعایت کند. مهم‌ترین ویژگی جهت داشتن جهان بهتر برای انسان این است که آزادی‌های انسانی و برابری حقوق و امکانات مشابه برای همه افراد با تمام ویژگی‌هایی که جامعه انسانی با آن درگیر است از هر قشر و هر جنسیت و طبقه فراهم باشد. متأسفانه با نگاهی به جوامع بشری می‌توان متوجه شد که انسان‌ها با ضعف قوانین، عدم اجرای درست آنها، نبود اخلاق‌مداری و به‌طور کلی ضعف در تمامی فعالیت‌هایی که با بشر و روابط آن درگیر است، روبه‌رو هستند. به‌نظر می‌رسد سروسامان دادن به این وضع به عهده دولت‌ها باشد و این به دلیل داشتن قدرت و در راس بودن آنهاست. وقتی بین انسان‌ها روابط پاک و سالم شکل بگیرد این روابط از یکسری ناهنجاری‌های رفتاری بعدی جلوگیری می‌کند، البته بشر باید بداند که برای داشتن جهان بهتر باید از رشوه‌گیری، دزدی، دروغ و... پرهیز کند. به‌نظر من برای رسیدن به جهان بهتر راهکارهایی وجود دارد اما باید ایندی به آن راهکارها و اجرای آنها کار بسیاری سختی است. بد نیست اشاره کنیم که جوامعی برای داشتن جهان بهتر، عوامل مختلفی را در زیر ساخت‌های خود در نظر گرفته‌اند یعنی تا توانسته‌اند شرایط را بهبود بخشیدند. در حقیقت نمی‌شود در یک کلام گفت که باید کرد اما باید امید داشت که می‌توان به جهان بهتر رسید یا به تعبیر درست‌تر جهان بهتر را ساخت، البته با در نظر گرفتن تجربیات دیگران و با توجه کافی به تمام زمینه‌ها می‌شود زودتر به این امید رسید. شرط لازم اما این است که بشر بخواهد به آن جا برسد و به یقین رسیدنش سخت است. رسیده به جهان بهتر با ساختن آن در یک کلام، زمانبر، هزینه‌بر و انرژی‌بر است اما کار می‌شدنی است.



بشر امروزه در اثر برخی رفتارهایی که انجام داده - چه رفتارهای غلط، چه رفتارهای درست - به نتایج و تفکراتی رسیده و برای رسیدن به جهان بهتر، بر اساس نتایج و تفکراتی که بشر داشته شاخص‌هایی مشخص شده است. البته این شاخص‌ها، شاخص‌های انسانی و خوبی هستند. به مناسبت این که این هفته، هفته زمین پاک است می‌توان گفت جهان بهتر جهانی است که در آن آلودگی‌های زیست‌محیطی وجود نداشته باشد و در حقیقت طبیعت در برگیرنده تمام اجزای خود از جمله گیاهان، کوه‌ها، دریاها، حیوانات و... باشد؛ این در حالی است که ما به تازگی شاهد سگ‌کشی‌های شصیراز بودیم و خود این موضوع چنان بود که نشأت گرفته از قهر آشتی‌ناپذیر انسان با طبیعت بوده است. اگر ما با طبیعت مهربان باشیم در واقع جای امنی برای زندگی بهتر برای خود فراهم کرده‌ایم و همه می‌توانیم در کمال آرامش و خوشی در کنار هم زندگی کنیم. در برخی از نظرسنجی‌ها شاخص‌هایی را برای مکان بهتر زندگی انتخاب می‌کنند که برخی از کشورها امتیازات بیشتری را به‌دست می‌آورند ولی این مسأله همیشه به صورت صدرصد و ایده‌آل نبوده و در آن کشورها هم کاستی‌هایی وجود دارد. این به معنای آن است که زمین امروزه، جای ایده‌آلی برای زندگی نیست. البته انسان در محیطی که زندگی می‌کند علاوه بر این که باید محیط‌زیست خود را حفظ کند تا بتواند آب و هوای سالم داشته باشد و به طبیعت و حیوانات محیط خود احترام

گپ روز



مبارزه با اعتیاد خوب پیش نمی‌رود

شد. می‌دانید که رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر رئیس جمهوری است؛ پیشنهاد مشخص من این است که در موضوع اعتیاد که با آینده کشور سروکار دارد، خود رئیس جمهوری ورود پیدا کند و جلسات با حضور وی انجام شود. اهمیت اعتیاد کمتر از بحث محیط‌زیست نیست؛ رئیس جمهوری باید از همه دستگاه‌ها بخواهد گزارش‌ها را بدهد که چه برنام‌های در این حوزه دارند.

● **با توجه به توان تخصصی که در سازمان بهزیستی وجود دارد، نمود بیرونی فعالیت‌ها و مسئولیت‌های بهزیستی تا چه میزان رضایت‌بخش بوده و شاخص‌هایی که در نظر داشتید، چقدر عملیاتی شده است؟**
شکل‌گیری بهزیستی در واقع در مورد استثنای‌های جامعه بوده و در حقیقت ماهیت وجودی‌اش استثنایی بر قاعده بوده است و قرار بوده خدماتی به افراد استثنایی ارایه بدهد اما متأسفانه در حال حاضر بهزیستی تبدیل به یک قاعده شده است و این به خاطر شرایط اجتماعی و مشکلات متعدد و متنوع مردم است که مسئولیت‌های سازمان هر لحظه دچار فرونی یافتن است. خب طبیعی است ما نمی‌توانیم آنطور که باید نمود بیرونی داشته باشیم. یادمان باشد در بحث‌های اجتماعی ما میبختی با عنوان تله اجتماعی داریم که این تله‌ها و آسیب‌ها بسیار پیچیده و همواره در حال رشد هستند. ما هر چه کار انجام دهیم، شاید فردی که مراجعه می‌کند را به دلیل تنوع و گستردگی نیازهایش نتوانیم راضی و کاملاً خشنود کنیم.

● **در حوزه خدمات اجتماعی سازمان‌هایی که در حال انجام خدمات هستند، به‌ویژه سازمانی مانند بهزیستی که از محل بودجه عمومی اداره می‌شود، بالطبع با نارضایتی‌هایی مواجه می‌شود. خود شما هم اشاره کردید که وجود برخی نارضایتی‌ها را قبول دارید اما بگذارید ببرسم که شما ریشه این نارضایتی‌ها را در خود مجموعه بهزیستی می‌بینید؟**
کاملاً طبیعی است اما باید مراقب باشیم که وارد تله نشویم. وقتی نتوانیم به خوبی همه نیازهای افراد را به دلیل گستردگی آنها رفع کنیم، نارضایتی ایجاد می‌شود. حوزه‌های اجتماعی بسیار گسترده هستند و آسیب‌های گسترده‌ای هم دارند؛ یکی از دوستان من در کمیسیون اجتماعی شورای شهر تهران بود که می‌گفت در مسائل اجتماعی هر چقدر هم کار انجام شود، مردم راضی نمی‌شوند. در مورد سازمان بهزیستی هم همین نکته صدق می‌کند.

مسئولیت‌های ما به حدی وسیع و گسترده و در عین حال پیچیده است که شاید هر کاری هم انجام شود، نمود بیرونی چندانی نداشته باشد. ما با معلولی سرسورکار داریم که نیازش ویلچر خوب و نیازهای اجتماعی دیگر است مثلاً این که بتواند از خیابان‌ها، پارک‌ها، اتوبوس‌ها و متر و استفاده کند اما نمی‌تواند. این دیگر تقصیر من نیست؛ تقصیر یک دستگاه نیست. نهادهای دیگر باید زیر ساخت‌ها را فراهم کنند که نمی‌کنند. پس معلول هم، از بهزیستی ناراضی می‌شود و هم از دیگر دستگاه‌ها؛ حق هم دارد. او هم به‌عنوان یک شهروند ایرانی حق دارد از امکانات بهره‌مند شود.

اعتیاد در کشور نوسازی شود و با بازنگری فعالیت کند، ما باید با مراکز علمی داخلی و خارجی ارتباط خوبی برقرار کنیم و روش‌های نوی پیشگیری را یاد بگیریم، شاید زمان آن فرار سیده است که ما بخش‌های کارمان را به وزارت بهداشت واگذار کنیم، در همه جای دنیا رویکردها نسبت به اعتیاد تغییر کرده است. دیگر رویکردها از درمان گذشته و بحث‌های توانمندسازی و توانبخشی و مداخلات روانی و اجتماعی مطرح می‌شود که این رویکرد را بهزیستی با همکاری وزارت بهداشت یا دیگر نهادهای مرتبط می‌تواند انجام دهد. ولی قدم اول این است که مسئولان بهزیستی به این درک برسند و اداره قوی برای عملی‌شدن این رویکرد در سازمان باشد. مدیران سازمان و ناوگان تخصصی سازمان هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی باید نو شوند.

● **همانطور که اشاره کردید، اعتیاد یک معضل فرابخشی است و تنها سازمان بهزیستی مسئول این معضل اجتماعی نیست؛ سوال این است که هماهنگی بین بخشی چقدر در بحث اعتیاد مهم است؟**
بله، همان‌طور که اشاره کردید، هماهنگی در انجام وظایف بسیار مهم است، البته در مورد اعتیاد مباحثی وجود دارد که بهزیستی نباید ورود پیدا کند؛ مثل مقابله با توزیع و مبارزه با قاچاق. با این حال بحث هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف بسیار مهم است که کار نهادهای فرابخشی و بالادستی مثل ستاد مبارزه با مواد مخدر است. هماهنگی‌ها آنطور که شایسته بوده انجام نشده است. من سال گذشته که مدیر کل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر بودم، بحثی را در مورد لزوم هماهنگی مطرح کردم که شاید مدیرانی هم آن را نپسندیدند. به‌هر حال ماموریت من تمام شد و به سازمان برگشتم. امروز شنیدم که خودشان اعلام کردند ۱۷ دستگاه در ستاد هستند که فعالیت‌های هماهنگی با هم ندارند و به همین خاطر مبارزه با اعتیاد خوب پیش نمی‌رود. در کل منظور از مبارزه همه بحث‌های پیشگیری و درمان است. به‌نظر من هماهنگی بسیار مهم است اما این هماهنگی را باید نهادهای که متولی ایجاد آن است، جدی‌تر پیگیری کند و گونه هر دستگاهی بر اساس دستور کار خود جلو می‌رود و نتیجه حاصل کار آمد نخواهد می‌کند و نیاز است که ناوگان درمانی و حمایتی

بسیار خوب عمل کرده، علتش هم این است که توانستیم از ظرفیت نیروی متخصص و همکاری مشترک با بخش غیردولتی استفاده کنیم. به علاوه خدمات متنوعی برای بیماران روانی مزمن ارایه شده است؛ برای مثال خدمات مبتنی بر اجتماع برای مداخلات روانپزشکی و توانبخشی که در نوع خود مداخلات مهمی است، صورت گرفته است. خدمات open door یعنی بیمارستانی‌هایی که ورود و خروج برای بیمار آزاد است، در این بخش داریم و کاری که برای بیماران مزمن برنامه‌ریزی شده است، ارایه خدمات به این افراد در منزل است که از ایداعات بهزیستی بود و ادامه دارد. با این حال همان‌طور که گفتم خدمات باید بیشتر توسعه پیدا کند و این مهم بسته به میزان منابعی است که در اختیار سازمان بهزیستی قرار می‌گیرد.

بخش دیگری که من افتخار خدمت در آن را داشتم حوزه اعتیاد است. اعتیاد قصبه پرغصه‌ای است. سازمان بهزیستی بعد از سال ۶۲ که اردوگاه‌های کار، زندانیان معتاد را تحویل گرفت، با همکاری بخش غیردولتی مراکز «خودمعر» را برای درمان معتادین ایجاد کرد؛ آن هم در زمانی که همه معتقد بودند معتاد را باید دستگیر، زندانی و اعدام کرد. فعال‌شدن مراکز خودمعر در تغییر قانون و تغییر نگاه جامعه نسبت به اعتیاد و معتاد بسیار حایز اهمیت بود. در بحث‌های پیشگیری، برنامه‌های پیشگیری ۴ و ۵ ساله در بهزیستی آغاز شد که امروز مبنای اجتماعی کردن مبارزه با اعتیاد از همان رویکرد اجتماع‌محور بهزیستی شروع شد. بهزیستی برای نخستین‌بار بحث‌های درمانی مثل متادون را در کشور مطرح کرد و در بحث کاهش آسیب، نخستین مراکز کاهش آسیب و سرپناه را ایجاد کرد. هنوز هم بزرگ‌ترین شبکه shelter بهزیستی هدایت می‌کند که البته در تهران مراکز وابسته به شهرداری هم در این زمینه کار می‌کنند. در زمینه مراکز خدمات حمایتی از معتادین و خانواده‌ها بیشان هم تا امروز بهزیستی بزرگ‌ترین مرکز حمایتی است که فعال است. البته در معضل اعتیاد ما مشکل کم نداریم. به دلایل مختلف که یکی از مهم‌ترین‌هایش ماهیت اعتیاد است که هر لحظه به‌واسطه انواع متغیر مواد، رنگ عوض می‌کند و نیاز است که ناوگان درمانی و حمایتی

ادامه از صفحه ۹ به‌طوری که در همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد لازم است تفکرات نو و جدیدی وارد عرصه فعالیت‌ها شود. برای مثال مباحث مربوط به فعالیت‌های داوطلبانه که شما هم در روزنامه شهروند بر اساس ماهیت و رسالتی که دارید، دنبال می‌کنید یا بحث‌های مربوط به خیران و کارهای خیرخواهانه و عام‌المنفعه در این فعالیت‌های دوسویه سازمان باید پیگیری شود و دیگر نهادهای هم این امور را دنبال کنند. البته بدنه سازمان و نیروی انسانی که در بهزیستی هستند هم به لحاظ کمی و کیفی به نوسازی احتیاج دارد تا از این منظر هم تحولی در آن صورت گیرد.

به‌هر حال همه باید بپذیریم که سازمان بهزیستی عمده کارهای خدمات اجتماعی کشور را با توان تخصصی بالایی انجام می‌دهد. به طوری که امروز در بهزیستی چندین مدرک دکترای تخصصی در رشته‌های مختلف از مددکاری و مشاوره گرفته تا مردم‌شناسی و پزشکان عمومی و متخصص در اختیار داریم.

● **شما چه مدتی است که در سازمان بهزیستی مشغول هستید و خودتان در کدام‌یک از این مسئولیت‌های متعدد فعالیت کرده‌اید؟**
من حدود ۲۰ سال است که در بهزیستی فعالیت می‌کنم؛ ابتدا در بیمارستان روانپزشکی رازی بودم که وابسته به سازمان بود؛ از زمانی که به ستاد سازمان بهزیستی وارد شدم، اولین محل خدمتم ستاد ساماندهی درمان و توانبخشی بیماران روانی مزمن بود که بر اساس برنامه دوم توسعه این وظیفه به سازمان بهزیستی محول شد. ما با همکاری بخش غیردولتی این مسئولیت را به خوبی انجام دادیم. در حال حاضر چیزی در حدود ۸ تا ۱۰ هزار ظرفیت غیردولتی (تخت بیمارستانی) برای بیماران روانی ایجاد شده است که از ظرفیت‌های موجود در بخش دولتی هم بیشتر است و به خانواده‌هایی که افرادی با مشخصات بیماری‌های روانی دارند خدمت‌رسانی می‌کنند. البته بنده قبول دارم که به دلیل کمبود امکانات و ظرفیت‌هاست که بسیاری از هموطنان قادر نیستند از امکانات حمایتی بهزیستی استفاده کنند. برای من این مسأله خیلی اهمیت دارد که به منابع مالی بهزیستی اشاره‌ای داشته باشم؛ ما نه مانند هلال احمر یک نهاد بین‌المللی هستیم که از منابع بین‌المللی استفاده کنیم و نه مانند مراکز درمانی و مشاوره‌ای هستیم که از مراجعان پول دریافت می‌کنند. در واقع بهزیستی تماماً وابسته به منابع دولتی و بودجه عمومی کشور است که هر چه این اعتبارات بیشتر انجام شود ما می‌توانیم حمایت‌های درج شده در مسئولیت‌هایمان را به گروه‌های گسترده‌تری از اقشار هدف ارایه دهیم. در بحث بیماران روانی مزمن به عقیده من بهزیستی توانست انقلابی در بحث‌های درمانی و توانبخشی به این افراد ایجاد کند. همان‌طور که اشاره کردم بیش از ۸ هزار تخت روانپزشکی با همکاری بخش غیردولتی ایجاد شده است که نمی‌توان تصور کرد اگر این امکان وجود نداشت امروز خیابان‌ها و شهرهای ما چه وضعیتی داشتند. نکته دوم در مورد خانواده‌های تحت پوشش است که رقمی در حدود ۵۰ هزار نفر حمایت می‌شوند یا شاید هم بیشتر، چون اطلاعات من مربوط به سال‌ها پیش است. بهزیستی در این مسئولیت

همسایه زاگرس هم بی آب است!

کردستان بود. در این رابطه طی چندسال اخیر هم در دولت قبل و هم در دولت تدبیر و امید به‌عنوان یک مطالبه جدی از سوی مسئولان و نمایندگان استان پیگیری شده ولی تاکنون نتیجه خاصی حاصل نشده است، اما امیدوار هستیم در آینده نزدیک با حضور صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی و ایجاد صنایع مادر، شاهد یک حرکت جدی در این رابطه باشیم.

یکی دیگر از مطالبات مردم کردستان که به شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک منطقه بازمی‌گردد، وضع مرزهای استان است که حدود ۳۳۰ کیلومتر طول دارد و می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت عظیم در راستای توسعه استان بکارگیری شود. بهترین راه‌حل که مورد اجماع از بینمیان افراد می‌کند و می‌تواند در معیشت مردم این استان تأثیر بگذارد و حتی می‌تواند راه را برای سرمایه‌گذاران در این استان باز کند. معضل زیرساخت‌ها و عدم توسعه راه‌های استان کردستان به‌ویژه در دو حوزه اصلی یعنی آزادراه میان‌دواب - کرمانشاه که جنوب و شمال استان کردستان را به مهم‌ترین شبکه ترانزیت غرب کشور وصل می‌کند بسیار حایز اهمیت است ولی متأسفانه با اعتبارات سالانه دولت حدود ۱۰۰ سال طول خواهد کشید که به بهره‌برداری برسد. در این رابطه تلاش شد در سال ۹۳ با تخصیص از محل اعتبارات ماده ۱۸۰ روند اجرای طرح مذکور تسریع شود ولی باز هم نیازمند همت دولت است. مسیر دیگر راه همدان - قره‌به سندنج و مر یروان است که باید زودتر حل شود.

یکی دیگر از مسائل استان کردستان معضل مهاجرت است. طبق یک تحقیق طی ۱۰ سال ۵۸ هزار نفر از نیروی انسانی این استان مهاجرت کرده‌اند که این مهم مهاجرت سالانه ۶ هزار نفر را دربرمی‌گیرد. باید این نکته را نیز متذکر شد که بیشتر این مهاجران را افراد تحصیلکرده تشکیل می‌دهند که خود این مسأله باعث کندشدن روند توسعه استان شده است.



نماینده کردستان در مجلس شورای اسلامی

استان کردستان ۱۷/۷ درصد مساحت کشور را شامل می‌شود. این استان که در دامنه‌های دشت‌های پراکنده سلسله جبال زاگرس میانی قرار گرفته با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کند. یکی از این مشکلات، تأمین آب کشاورزی و شرب مردم است. نخستین بحث و مسأله استان کردستان که تاکنون بارها گفته شده موضوع تأمین آب کشاورزی و شرب و همچنین موضوع واژگونی تانکرهای حامل مواد آلاینده به دریاچه خودرودهای حمل سوخت در مسیر سد، واژگونی این تانکرها مسائل زیست‌محیطی را برای این استان به وجود می‌آورد. مسأله ما این است که این تانکرهای حمل سوخت در مسیر رود و دریاچه‌ها و رودخانه‌های قبلی هنوز مردم کردستان از حق شرعی و قانونی خود در بهره‌مندی از منابع آب استان کردستان بی‌بهره هستند و چنانچه در آینده نزدیک اقدام عاجل و اعتبار لازم تأمین نشود، بحران آب هم زندگی شهرنشینان و هم زندگی روستاییان کردستان را به سوی بحران و مخاطره خواهد برد. متأسفانه به‌رغم احداث چندسد جدید، نمی‌توان امیدوار بود که آب مدیریت شده در این سدها به زمین‌های کشاورزان کردستانی برسانده شود یا اگر چنین شود، روند بسیار کند پیش خواهد رفت.

این استان با ۶۴۵/۱۴۹۳ نفر جمعیت که ۶۶ درصد را شهرنشینان و ۳۴ درصد باقی مانده را روستاییان آن تشکیل می‌دهند بسیار بیکاری و تبعات فرهنگی، اجتماعی و معیشتی آن بر زندگی خانواده‌ها به‌ویژه جوانان تحصیلکرده استان دست به گریبان است. هرچند تلاش برای جذب سرمایه‌گذاران خصوصی انجام شده ولی تا زمانی که سرمایه‌گذاران بخش دولتی عزم جدی برای سرمایه‌گذاری در استان کردستان نداشته باشند نمی‌توان شاهد تسریع در روند صنعتی شدن استان و به تبع آن حل مشکل بیکاری در